

ایران ویج به عنوان یک گروه فرهنگی وظیفه ملی و انسانی خود میداند که از محیط زیست دفاع و تمام تلاش خود را برای محافظت از این میراث ملی انجام دهد

یک ایرانی واقعی به طبیعت آسیب نمیزند

حفظ گونه های جانوری یکی از اهدافی است که بشر خیلی دیر به فکر آن افتاده است.

بسیاری از گونه های جانوری که نشان دهنده تنوع حیات بر روی کره زمینند امروزه تبدیل به خاطره شده اند. در بسیاری از کشورهای جهان گونه های خاصی از حیوانات در حال انقراضند در ایران نیز چنین وضعی حکم فرماست و بسیاری از گونه ها مانند شیر و ببر ایرانی به دلیل شکار بی مورد منقرض شده و بسیاری دیگر در حال انقراضند. تعدادی از حیوانات منقرض شده و در حال انقراض ایران به قرار زیر است:

شیر ایرانی

شیر از نیرومندترین و مشهورترین پستانداران ایران و جهان ، مدتی است که نسلش در ایران از میان رفته است. موها کوتاه، رنگ بدن زرد و بدون لکه یا نوارهای راه راه از جمله مشخصات شیر ایرانی است. شیر نر ، یال نسبتاً کوتاهی (در مقایسه با زیر گونه آفریقایی) با موهای سیاه و زرد دارد. دم شیر ایرانی بلند با دسته ای از موهای سیاه در انتهای آن است. اندازه طول سر و تنه ۱۵۰ تا ۱۹۰ سانتی متر، دم در حدود ۱۰۰ سانتی متر و وزن آن ۱۵۰ تا ۲۵۰ کیلوگرم می باشد. مناطق جنگلی ، بوته زارها و علفزارهای نزدیک به آب واقع در نواحی جنوب زاگرس و خوزستان زیستگاه شیر ایرانی بوده است. در گذشته پراکندگی وسیعی در مناطق جنوب و جنوب غربی ایران ، از جنگلهای اطراف رودخانه کرخه ، دز، کارون به طرف مسجد سلیمان ، رامهرمز ، بوشهر ، کارون تا دشت ارژن واقع در غرب شیراز است.



تا سال ۱۳۲۳ ، دسته های ۲ تا ۵ تایی شیر ایرانی در بیشه زارهای جنوب شوش دیده می شده است. ولی از سال ۱۳۲۱ خورشیدی که آخرین شیر ایرانی در شمال غربی دزفول شکار شده است ، اطلاعات دیگری مبنی بر مشاهده این حیوانات ثبت نشده است. اگر چه بواسطه شکار ، طعمه های مسموم ، قطع درختان جنگلی و اکثر زیستگاههای طبیعی شیر ایرانی در ایران از میان رفته است اما زیرگونه ای از آن همچنان در قرق جنگلی در شمالغربی هندوستان به حیات خود ادامه می دهد، که به گفته محمدی زاده رییس سازمان محیط «آگیر» زیست برنامه هایی برای انتقال چند شیر به داخل ایران موجود است و امکان دارد برای احیای شیر ایرانی این حیوانات از هند به ایران منتقل شوند

(ببر ایرانی (ببر مازندران

در جنگلهای مازندران نژادی از ببر ، که به نام ببر ایرانی شهرت دارد ، می زیسته که امروزه نابود شده است . آخرین ببر که در مازندران به آن شیر سرخ می گفتند در سال ۱۳۳۸ ه.ش در جنگل گلستان ، در منطقه گرگان ، به دست یک شکارچی محلی شکار شد . از ببر مازندران تنها یک نقاشی رنگی و چند عکس و چند پوست بجا مانده است . عکسها و پوستها نشان می دهند که رنگ ببر مازندران از ببر بنگال روشنتر ، و تا اندازه ای نارنجی مایل به قرمز و نوارهای عرضی آن باریکتر و

منظمتتر و به تعداد بیشتر بوده است . موهای بدن ببر مازندران بلندتر و پرپشت تر از ببر بنگال و کوتاه تر از ببر سیبری و جثه آن بزرگتر از ببر بنگال و کوچکتر از ببر سیبری بوده است .



ببر مازندران مرال ، گراز ، شوکا ، خرگوش ، پرندگان ، خزندگان گربه وحشی و هنگام گرسنگی کمبود غذا ، گاو و گاو میش اهلی شکار می کرد . شکار بی رویه ، خشک کردن نیزارها و مردابها برای کشاورزی ، باغداری و خانه سازی ، از میان رفتن جنگلهای جلگه ای سبب نابودی نسل ببر در ایران شده است .

یوزپلنگ ایرانی

انجمن یوزپلنگ ایرانی همزمان با پنجمین سالگرد تأسیس خود اعلام کرد که براساس بررسی های میدانی، مصاحبه با افراد محلی، مشاهدات مستقیم، ردیابی در داخل زیستگاه ها و مقایسه تصاویر بدست آمده از دوربین های تله ای متعلق به انجمن و پروژه حفاظت از یوز آسیایی، درحال حاضر وجود جمعیتی بین ۷۰ تا ۱۰۰ قلاده یوزپلنگ ایرانی در کشور محرز می باشد که بیش از نیمی از این جمعیت در استان یزد زیست نموده و استانهای سمنان، خراسان شمالی و اصفهان به ترتیب در رده های بعدی قرار دارند.



البته ذکر این نکته کاملاً ضروری است که یوزپلنگ ها بین مناطق مختلف در رفت و آمد بوده و نمی توان جمعیت ثابتی برای هر استان یا منطقه در نظر گرفتگی سالهای ابتدایی دهه ۱۳۵۰، اسکندر فیروز جمعیتی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ قلاده برای یوزهای ایران برآورد نمودند

پلنگ ایرانی

است. *Panthera pardus saxicolor* برده می شود منظور زیرگونه (Persian Leopard) هنگامی که نام پلنگ ایران اعتبار این زیرگونه در سال های اخیر تایید شده است. اعضای این زیرگونه عمدتاً در ایران به سر می برند اما در کپه داغ و ترکمنستان، قفقاز، تاجیکستان، ازبکستان، ارمنستان، بخشی از ترکیه، افغانستان و شاید کردستان عراق نیز حضور دارند. البته دامنه پراکنش کامل آن را به طور دقیق نمی دانیم زیرا به رغم آنکه پلنگ از بسیاری جهات جانوری مهم به شمار می آید، متأسفانه اطلاعات لازم درباره پراکندگی و تغییرات درون گونه ای آن وجود ندارد. فقط می دانیم گسترش جغرافیایی نسبتاً وسیعی دارد که ایران در مرکز آن قرار می گیرد اما محدود به ایران نمی شود.



آن طور که رکوردهای شکارچیان نشان می دهد پلنگ ایران اگر بزرگترین زیرگونه نباشد یقیناً یکی از بزرگ جثه گاهی در (IUCN) ترین زیرگونه های پلنگ در دنیا است. اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی فهرست سرخ خویش برای بعضی زیرگونه ها رتبه ای بالاتر از گونه مربوطه در نظر می گیرد، برای مثال گونه پلنگ را آسیب پذیر و زیرگونه پلنگ ایرانی را در خطر انقراض طبقه بندی می کند.

سیاه گوش ایران

تنها نمونه سیاه گوش موجود در اسارت به عنوان گونه ای کمیاب و در خطر انقراض و فاقد هر گونه آمار و شناسنامه علمی معتبر در ایران و تنها نمونه در دسترس و قابل مطالعه، به مثابه گنجینه یا ذخیره ژنتیکی با ارزش در شرایطی غیراستاندارد در پارک ملی پردیسان تهران رها شده و مورد بی مهری مسوولان و کارشناسان حیات وحش قرار گرفته است و در صورتی که بی توجهی نسبت به حفظ و مطالعه این گونه ادامه یابد، آینده ای نامعلوم و به دنبال آن نابودی در انتظار این گونه خواهد بود .



گره پالاس

نام این گره نیز در لیست قرمز انقراض قرار گرفته است.

به نسبت جثه اش از تمام گره های دیگر موهای بلندتر و پرپشت تری دارد. به اندازه یک گره اهلی اما از آن پرت و دست و پاهایش کوتاه تر است. رنگ بدن خاکستری روشن که ممکن است به زردی یا قرمزی بزند. نوک موها سفید است که به آن ظاهری یخ زده می دهد. روی گونه های موهای بلند و دو نوار تیره واضح دارد. دارای سری گرد و پهن با گوش های خوابیده و کوچک در بیشترین فاصله از هم است. روی پیشانی خال های نامنظم دارد. در نیمه انتهایی پشت و روی پاها چندین نوار عرضی تیره دارد. چشم ها کاملاً رو به جلو هستند که نشان می دهد برای شکار وابسته به بینایی است و همین ظاهری جغمانند به آن می دهد. مردمک چشمش برخلاف سایر گره های کوچک به صورت دایره ای منقبض می شود.



موی بلندش سازشی است برای زندگی در سرما و کوچک و پایین بودن گوش هایش برای آن است که در مناطق باز با پوشش گیاهی اندک کمتر دیده شود. زیرگونه ایرانی آن در تهدید است. در ایران تاکنون از مشهد و سرخس و خوش ییلاق شاهرود و نیز سواحل رود ارس در آذربایجان غربی گزارش شده است.

گوزن زرد ایرانی

خطر انقراض نسل گوزن زرد ایرانی، دوست داران محیط زیست و حیات وحش را بشدت نگران کرده است. شوری آب جزیره اشک دریاچه ارومیه، پساب سمی شرکت‌های نفتی در چغازنبیل، تخریب زیستگاه‌ها در دشت ارژن و زباله‌های شهری و بیمارستانی بابل، از مهم‌ترین دلایل در خطر انقراض قرار گرفتن نسل گوزن زرد ایرانی به شمار می‌رود. گوزن زرد ایرانی شاخ‌های بلند و پهن، ۱۵۰ تا ۲۴۰ سانتی‌متر بدن و ۱۶ تا ۲۰ سانتی‌متر دم دارد.



روباه بلانفوردیا شاه روباه

کمی از روباه قرمز (معمولی) کوچک‌تر در صورت دو نوار سیاه و بسیار مشخص دارد که از چشمها به طرف بینی امتداد یافته اند دم بسیار بلند و پرمو که رنگ موهای انتهای آن به سفیدی دم روباه معمولی نیست. گوشها بزرگ و در قاعده بسیار پهن هستند. رنگ پشت گوشها قهوه ای مایل به خاکستری است. موهای بدن انبوه‌تر رنگ موهای پشت خاکستری-نقره ای با سایه قهوه ای ، در ناحیه ستون مهره ها کاملا قهوه ای و روی دم سیاه. زیستگاهش استپ های کوهستانی و مناطق نیمه بیابانیست . در ایران در مناطق شرق خراسان، کرمان، فارس، ریاط پشت بادام یزدو اصفهان مشاهده شده است. و پراکنش جهانی آن بلوچستان پاکستان ، افغانستان ، ترکمنستان است .

عادات این حیوان احتمالا شبیه سایر روباهها ست. این روباه بسیار بازیگوش و باهوش است. میتواند مدتها با سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت بدود. شب فعال است. و با آنکه تنها یک جفت انتخاب میکند ولی تنها به شکار می‌رود. همه چیزخوار است. معمولا از حشرات و میوه ها تغذیه میکند.



وضعیت فعلی: روباه ایران است. بعلت داشتن پوست زیبا و گرانبها مورد توجه شکارچیان پوست میباشد. در سالهای اخیر نسل آن بشدت کاهش یافته و خطر انقراض نسل آن را تهدید میکند

روباه کرساک یا روباه ترکمنی

جنه آن کوچکتر ولی دست و پا بلند تر از روباه قرمز است. مشخصه اصلی این روباه دم نسبتا کوتاه است. رنگ موهای انتهائی دم برخلاف روباه معمولی و روباه شنی، قهوه ای تیره یا سیاه است. گوشها نسبتا کوچکند و رنگ پشت آنها دارچینی روشن است. در فصل زمستان موها بسیار بلند و برنگ خاکستری متمایل به سفید است . بطوری که فقط نوک گوشها دیده میشود. پوشش تابستانی کوتاه و برنگ نخودی متمایل به قرمز است



زیستگاهش مناطق استپی خشک و نیمه بیابانی .معمولا وابسته به نقطه خاصی نبوده واکثرا در حال حرکت هستندو از لا نه های سایر جانوران که در راه می بینند استفاده میکنند.در ایران فقط در نواحی ترکمن صحرا زندگی میکنند.پراکنش جهانی:ترکستان ، مغولستان ،افغانستان،شمال منچوری،چین تا تبت از جوندگان کوچک،خرگوش،خزندگان ،پرنندگان ،فورباغه،حشرات و لاشه حیوانات تغذیه میکند.معمولا پوست خارپشتهایی که توسط این حیوان شکار شده اند در نزدیک لانه اش مشاهده میشود.سایر خصوصیات شبیه روباه قرمز . به علت با ارزش بودن پوستش، شکارچیان با استفاده از وسیله نقلیه موتوری انرا تعقیب وشکار می نمایند به همین علت بشدت کاهش یافته و خطر انقراض انرا تهدید میکند